



جغرافیا و روابط انسانی، زمستان ۱۴۰۰، دوره ۴، شماره ۳، صص ۳۴۸-۳۳۱

ضرورت شناسایی چالش‌های بافت فرسوده روستایی در راستای رسیدن به اهداف توسعه پایدار

سید هاشم قاسمی^۱

^۱ - گروه جغرافیا مدیریت توسعه پایدار روستایی دانشگاه پیام نور فریمان

Ghasemi.1365@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۲۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۰۳

چکیده

روستا به عنوان کوچکترین واحد جغرافیا است که معیشت اغلب ساکنان آن مبتنی بر بهره برداری از زمین است و توسعه روستایی نیازمند شناخت و آگاهی از مسائل و عوامل مؤثر اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مانند افزایش تولید، بهبود سطح دانش و انگیزش، ارائه خدمات گوناگون و اصلاح شبکه ارتباطی و حمل و نقل و بهسازی روستا، تنوع بخشی به امکانات اشتغال روستایی در راستای رسیدن به توسعه کلان کشور، شناخت نقاط قوت و نقاط ضعف، فرصت‌ها و تهدیدها است تا بتوان با شناخت همه جانبه برنامه ریزی بهینه‌ای در جهت توسعه روستایی ارائه نمود. در کشور ما رسیدن به توسعه یکپارچه سکونتگاه‌های روستایی به عنوان راهبرد حفظ سکونتگاه‌ها مطرح شده است، چرا که این نوع از توسعه در سرو سامان دادن به استقرار بهینه روستاها و حفظ آنها بهترین روش می باشد. برای رسیدن به این نوع از توسعه شناخت همه جانبه نقاط موجود در منطقه می تواند روش موثرتر و بهتری باشد تا با شناخت آنها و برنامه ریزی برای استفاده از قابلیت‌ها و بر طرف نمودن ضعف‌ها بتوان به یک توسعه یکپارچه و پایدار رسید. در این مقاله ویژگی‌های طبیعی اجتماعی - جمعیتی، فرهنگی - سیاسی، اقتصادی و فضایی - کالبدی مورد بررسی و مطالعه قرار گرفته است. این پژوهش با هدف بررسی مشکلات و کاستی‌های مدیریت عمران و توسعه سکونتگاه‌های روستایی و ضرورت شناسایی چالش‌های توسعه روستایی در راستای رسیدن به اهداف توسعه پایدار انجام شد. این تحقیق از نظر هدف، کاربردی و از نظر شیوه جمع‌آوری اطلاعات، توصیفی می باشد. نتایج نشان می دهد ضرورت پرداختن به موضوع روستا و توسعه آن از سوی دولت احساس شده و در غالب موارد، به صورت محور سیاست‌های توسعه تلقی شده است. اما در شرایطی که قرن بیستم را پشت سر گذاشته ایم، هنوز توسعه روستایی با مسائل و چالش‌های فراوان روبه روست که در کنار مشکلات زیست - محیطی، توجه به نوعی توسعه به نام «توسعه پایدار روستایی» را برمی انگیزد.

واژگان کلیدی: توسعه روستایی، مشارکت، توسعه پایدار



۱- مقدمه

نظر به جایگاهی که روستا و روستانشین در پویایی اقتصاد کشور، از قبیل کمک به رشد اقتصادی، کنترل نرخ تورم، افزایش نرخ اشتغال و فعالیت دارد. به طور ویژه در تولید کالاهای اساسی و استراتژیک نیز موثر است. می تواند بستر مناسبی برای تولیدات کشاورزی، دامی، صنعتی و خدماتی، حفظ محیط زیست و امنیت، هنجارهای فرهنگی و اجتماعی، حراست و نگهداری مرزها را فراهم نماید. از ظرفی ظرفیت جمعیت ۲۱ میلیون نفر ساکن در این مناطق با اتخاذ تدابیر صحیح و مدبرانه زمینه شکوفایی و توسعه پایدار مناطق روستایی و به تبع آن کشور را به همراه خواهد داشت. شناخت دقیق مسایل مربوط به روستاهای ایران از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. زیرا ریشه تمامی مشکلات و مسائل عقب ماندگی مثل فقر گسترده، نابرابری در حال رشد، رشد سریع جمعیت و بیکاری فزاینده، در مناطق روستایی قرار دارد (آسایش، ۱۳۸۲). یکی از اهداف کلان توسعه در اغلب کشورها و از جمله کشور ما، کاهش بیکاری و توسعه فعالیت های شغلی است. توسعه و عمران روستایی در چند دهه اخیر همواره یکی از دغدغه های اصلی توسعه در ایران و اکثر کشورهای در حال توسعه بوده است. در بسیاری از کشورها، توسعه روستایی به مثابه راهبردی با اهمیت برای تأمین نیازهای اساسی و توزیع بهینه منافع ناشی از توسعه ملی تلقی شده و بدین منظور با شیوه های متعدد، الگوهای متنوعی برای توسعه روستایی تجربه شده که عمدتاً دستاوردهای مطلوبی نداشته و هنوز سهم جوامع روستایی جهان سوم از توسعه و پیشرفت بسیار اندک است و اکثر فقرای این کشورها یا در روستاها بسر می برند و یا شهرنشینی عمدتاً حاشیه نشین با منشاء روستایی بوده اند. بانک جهانی سرانجام به این باور رسیده که توسعه روستایی، راهبردی برای بهبود زندگی اجتماعی و اقتصادی روستاییان فقیر و تلاشی همه جانبه برای کاهش فقر است که این امر با افزایش تولید و ارتقاء بهره وری در محیط روستایی میسر می گردد. توسعه روستایی یا نوین سازی جامعه روستایی بایستی این جامعه را از انزوای سنتی بیرون آورده و با اقتصاد ملی عجین سازد. به همین جهت توسعه روستایی تلاشی فراگیر است که به محدوده یک بخش خلاصه نمی شود و کلیه بخش ها و زمینه های اجتماعی، اقتصادی، فیزیکی و ... توسعه را در بر می گیرد. در ایران اگر چه از ابتدای قرن حاضر تلاش های پراکنده ای برای توسعه روستایی آغاز شده و در تدوین برنامه های عمرانی کشور نیز تا حدودی مورد توجه قرار گرفته اما تغییر و تحول در جامعه روستایی ایران با انقلاب اسلامی ابعاد گسترده و عمیقی یافته است. هر چند به تناسب دگرگونی ها بر مسائل و چالش های توسعه روستایی نیز افزوده شده، بطوری که امروزه علاوه بر آن که بسیاری از مسائل دیرینه کماکان بجای مانده، چالش های نوینی نیز سر بر آورده اند. تاکنون راه حل های متفاوتی برای مقابله با بیکاری، توسعه فعالیت شغلی و توسعه روستایی ارایه شده است. به نظر والتر گالسنون عامل اصلی بیکاری در کشورهای در حال توسعه این است که زمین نمی تواند جمعیت روز افزون روستاها را به کارگیرد و احتمال زیادی وجود دارد که اتوماسیون در آینده بسیار نزدیک موجب تنزل مطلق اشتغال در صنایع تولیدی شود. علاوه بر آن علیرغم اینکه صنایع کوچک تولیدی و صنایع دستی آماده استفاده وسیع از نیروی انسانی است، اما این استراتژی با مشکل رقابت در بازار فروش مواجه است (ارجمند، ۱۳۹۳). مایکل تودارو برای اشتغال استراتژی جامع تدوین کرده و راه حل نهایی مساله بیکاری شهری را بهبود محیط روستایی می داند. اما در ایران عمران و توسعه روستایی به مقوله ای سهل و ممتنع تبدیل گشته است. سهل، زیرا روستاها هنوز بخش عمده ای از جمعیت را در خود جای داده اند، نقشی قابل توجه در تأمین امنیت غذایی و تولید ایفا می کنند و آماده پذیرش وظایفی جدی تر در اقتصاد کشور هستند و ممتنع، زیرا این مناطق فاقد اسناد مدیریتی در سطوح مختلف هستند و در نظام برنامه ریزی، تصمیم سازی و تصمیم گیری کشور جایگاهی قابل اعتنا ندارند و نسبت به توسعه آنها اعتقادی بنیادین وجود ندارد. یکی از خلأ های اساسی روستاهای ایران، کمبود مطالعات و تحقیقات و ضعف شناخت در مورد آنهاست. بنابراین با توجه به پیچیدگی مناطق روستایی نیاز عمیق به شناخت افزونتر آنها به منظور اتخاذ تصمیمات آگاهانه آشکار می شود. در ایران به عنوان یکی از مراکز اولیه و

مهم تمدن بشری، برنامه ریزی و توسعه به مفهوم کلی و عمومی آن سابقه زیادی دارد. با توجه به موارد فوق در راستای مقدمات فوق هدف اصلی پژوهش حاضر ضرورت شناسایی چالش های بافت فرسوده روستایی در راستای رسیدن به اهداف توسعه پایدار می باشد.

۲- بیان مسأله

در سالهای گذشته مداخله در بافتهای فرسوده عمدتاً با مداخله متمرکز نهادهای دولتی و عمومی در قالب ساخت انبوه مسکن در بافتهای فرسوده و نابسامان روستاها بوده است. علی رغم مشکلات عدیده اجتماعی، اقتصادی در این الگو، این روش کیفیت مناسب تری خصوصاً در خصوص سازه و شالوده بناهای روستایی داشته است. اما الگوی ساخت و ساز جدید تحت عنوان نوسازی مردمی که توسط مردم و بخش خصوصی صورت می گیرد و شرط اصلی آن سود اقتصادی طرفین است به لحاظ سودجویی، عدم کارکرد صحیح مکانیزم های کنترلی و صنعت قوانین و مقررات بالادستی نتوانسته منجر به احداث ساختمان های مستحکم و ایمن شود و مسئله صرف هزینه های بالای ساخت و ساز و عدم رسیدن به هدف از یک سو و از سوی دیگر آسیب های زیست محیطی ناشی از تخریب و نوسازی در سالهای آتی ضرورت انجام این تحقیق را نمایان می سازد (حسینی، ۱۴۰۰). علی رغم گذشت دهها سال از انقلاب اسلامی و پیشرفت های گوناگون در حوزه توسعه و عمران روستاهای کشور، متأسفانه هنوز قانون و نظام جامع فراگیری برای ساخت و ساز در کشور وجود ندارد. نظام فنی و اجرایی برای ساخت و ساز های موضوع طرح های عمرانی دولتی و نظام مهندسی ساختمان برای ساخت و سازهای غیر دولتی و عمدتاً در حوزه ها هرکدام فقط توانسته اند به بخشی از مسائل ساخت و ساز بپردازند و در عمل کارایی لازم را از دست داده اند. ضمن آنکه در برخی موارد در تناقض با هم هستند از اهداف اصلی نیز دورگشته اند که البته در این میان انحراف نظام مهندسی ساختمان از اهداف آن بیشتر از نظام دیگر است. از طرفی شهرداری و دهیاری های کشور و خصوصاً شهرداری های بزرگ روستاهای اطراف آن عمدتاً دارای ضوابط و مقررات محلی هستند که آنها نیز در بسیاری از موارد در تناقض با همدیگر و حتی در تعارض با اقلیم محلی خود هستند.

برای روشن شدن واقعیت ابتدا به ذکر چند مستند قانونی می پردازیم:

- به استناد ماده ۲۳ قانون نوسازی و عمران شهری مصوب ۱۳۴۷، شهرداری ها دارای اختیار نظارت بر طرز استفاده از اراضی داخل محدوده و حریم شهر از جمله تعداد طبقات و ارتفاع و نماسازی و کیفیت ساختمان ها هستند.
- به استناد تبصره ۷ ماده ۱۰۰ قانون شهرداری ها مصوب ۱۳۵۸، مهندسان ناظر و ناظرین شهرداری هر دو مکلفند اجرای ساختمان ها را کنترل و نظارت نمایند.
- بر اساس تبصره ۶ ماده ۱۰۰ قانون شهرداری ها مصوب ۱۳۵۸، شهرداری مکلف است از انجام امور خلاف پروانه جلوگیری نماید.

- بر اساس ماده ۲۴ قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان مصوب ۱۳۷۴، شهرداری ها مکلفند مقررات ملی ساختمان را رعایت نمایند و عدم رعایت مقررات یاد شده تخلف از قانون محسوب می شود.

- بر اساس بند ۱۲-۱-۵-۹- مبحث دوازدهم مقررات ملی ساختمان، شهرداری ها موظف به نظارت بر عملکرد مجری و مهندسان ناظر می باشند و در صورت بروز تخلف مراتب را به شورای انتظامی منعکس می نمایند. با ملاحظه این موارد و سایر قوانین و مقررات موجود به وضوح مشخص خواهد شد که در حقیقت مهندسین عضو نظام مهندسی، به عنوان بازوی فنی شهرداری در امر طراحی و نظارت بر ساخت و ساز محسوب می شوند و با ملاحظه شرح مذاکرات مجلس شورای اسلامی مشخص می شود که قانون گذار در سال ۱۳۷۴ با توجه به ضعف های فنی موجود در ساختار شهرداری ها و کمبود عوامل فنی و در جهت استفاده از پتانسیل بالقوهی مهندسین در کشور، اقدام به تأسیس سازمان نظام مهندسی به عنوان یک مؤسسه غیر

دولتی نموده و در حقیقت همانطور که از قوانین مذکور مشخص است (زیاری، ۱۴۰۰). مسئول اصلی کنترل و نظارت بر ساخت و سازهای شهری هم در حوزه مقررات ملی ساختمان و هم ضوابط شهرسازی بر عهده شهرداری است و دست کم در هیچ کدام از قوانین موجود این مسئولیت از شهرداری سلب نشده است، چه آنکه پروانه ساختمانی نیز هم در صدور و هم در تخلف و هم در پایان کار که مستند ادارات ثبت اسناد برای صدور سند مالکیت است توسط مسئولین شهرداری امضا می‌شود. اساساً شکل‌گیری نهاد شهرداری به عنوان یک دولت محلی مد نظر بوده و شوراهای اسلامی شهرها نقش پارلمان محلی را دارند. شهرداری‌ها به عنوان دولت‌های محلی متولی نظارت و کنترل خدمات شهری در چارچوب قوانین ملی هستند. نباید تلقی داشت که در چنین فرایندی شهرداری فقط یک نهاد خدمت‌رسان و مسئول جمع‌آوری زباله و اخذ عوارض از مردم بوده و هیچ مسئولیت مشخصی در خصوص آسایش و ایمنی اهالی شهر ندارد. در حقیقت مسئول اصلی رعایت حقوق شهروندی، شهرداری است. هرچند واقعیت تلخ خودگردانی شهرداری‌ها و عدم حمایت مالی دولت‌های ملی از شهرداری‌ها باعث انحراف آن‌ها از وظایف اصلی آن‌ها شده اما این موضوع نباید به فروش حقوق مردم منجر شده و در تضاد با امنیت مردم باشد. البته در شهر تهران به دلیل مسائل خاص پایتخت، دولت باید به شهرداری کمک کند و در این هیچ شکی نیست. اما شهرداری نباید مسئولیت کنترل بر ساخت و سازها را بر عهده یک مهندس ناظر دارای مسئولیت محدود که فقط به صورت مرحله‌ای بر ساختمان نظارت می‌کند بگذارد و با استفاده از ضعف‌های موجود در قانون، از زیر بار مسئولیت شانه خالی کند. به عنوان نمونه شهرداری تهران به عنوان بزرگترین شهرداری کشور باید گزارش دهد چه برخوردی با متخلفین ساختمانی از جمله در حوادث گودبرداری نموده و به عنوان مثال در حادثه گودبرداری مناطق جنوبی چه اقداماتی انجام داده و اصولاً آیا خود تقصیری در این موضوع نداشته است؟ از طرفی با انتشار آراء کمیسیون ماده ۱۰۰ معلوم کند چند درصد از تخلفات ارجاعی به آن کمیسیون منتج به تخریب و اعاده حقوق شهروندی شده و چرا در اکثر موارد دست‌اندازی به حقوق مردم و نقض حقوق شهروندی فقط به دریافت جریمه نقدی از متخلف و در حقیقت به خرید تخلف ختم شده است؟ هر چند این معضل فقط مربوط به تهران نیست و در اکثر شهرداری‌های کشور ساری و جاری است. نکته حائز اهمیت دیگر کاستی‌های جدی موجود در نظامات مهندسی و انحراف آن‌ها از یک سازمان حرفه‌ای به یک تشکل صنفی است که دقیقاً مخالف منویات قانون‌گذار در تأسیس آن بوده و جای تعجب است که چرا سازمان نظام مهندسی بسیار تمایل دارد بر خلاف قانون، نقش یک سازمان اجرایی را دارا باشد در حالیکه اهرم‌های آن را در اختیار ندارد.

۳- مبانی نظری پژوهش

توسعه روستایی

پیدایش مطالعات روستایی در سطح جهان و حتی ایران تا حد زیادی مرهون تلاش‌های بعضی رشته‌ها به‌ویژه جغرافیا و تا حدی تاریخ است (طالب و همکاران، ۱۳۸۵: ۳۸). زمینه پیدایش آنچه امروزه توسعه روستایی نامیده می‌شود، به اواخر دهه ۴۰ برمی‌گردد؛ یعنی زمانی که دولت اردوگاههایی را برای پناهندگان پاکستان غربی در سال ۱۹۴۷ برپا کرد؛ علاوه بر این نخستین تغییر در تفکر برنامه‌ریزی و توسعه روستایی پس از دهه ۱۹۷۰ به چشم می‌خورد؛ یعنی هنگام به‌شکست‌انجامیدن الگوهای توسعه به دلیل تخریب محیط زیست، رشد فزاینده شهرها، فقر و فلاکت روستاییان و... (مهدوی و همکاران، ۱۳۸۸: ۲۹). بررسی‌های مرتبط با توسعه روستایی غالباً در چهارچوب برنامه‌ریزی ناحیه‌ای و توسعه ناحیه‌ای به بحث گذاشته می‌شود. نظریه‌های توسعه ناحیه‌ای به‌طور عام پس از جنگ جهانی دوم به‌منزله نگرش‌هایی برای برقراری عدالت اقتصادی و اجتماعی، توزیع بهینه و مؤثرتر منابع و امکانات و رفاه و ثروت، تخصیص دوباره منابع، رشد متوازن‌تر نواحی و کاهش نابرابری‌های ناحیه‌ای مطرح بود و روزبه‌روز توجه بیشتر برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران توسعه را به خود جلب کرد. از

پیشگامان نظریه‌های توسعه ناحیه‌ای، افرادی چون والتر ایزارد، گونار میردال، فرانسوا پرو، هیرشمن، جان فریدمن و ... را می‌توان نام برد (قنبری هفت‌چشمه و همکاران، ۱۳۸۴: ۴) که عموماً به دنبال تبیین روابط فضایی نقاط جمعیتی بوده‌اند. در ایران نیز از دهه‌های ۱۳۲۰ و ۱۳۳۰ با تأثیرپذیری کشور از فرایند نوسازی بین‌المللی، توجه دولت به تحولات مناطق روستایی معطوف و بحث «عمران و آبادانی» روستاها مطرح شده است (عنبری، ۱۳۸۷: ۵).

توسعه روستایی تعاریف متعددی دارد. بانک جهانی توسعه روستایی را راهبردی تعریف می‌کند که برای بهبود زندگی اقتصادی و اجتماعی گروه مشخصی از مردم همان روستایان فقیر طراحی می‌شود و این راهبرد در پی گسترش دادن منافع توسعه در بین فقیرترین افرادی است که در نواحی روستایی به دنبال امرار معاش هستند (بهادنسب، ۱۳۸۹: ۵۷). در تعریفی دیگر توسعه روستایی، فرایندی چندبعدی نگریده شده که موضوع آن، بهبود و ارتقای کیفیت زندگی قشر فقیر و آسیب‌پذیر اجتماع روستایی است؛ فرایندی که با بهره‌گیری از سازوکارهایی چون برنامه‌ریزی، سازماندهی، تقویت خوداتکایی فردی و جمعی و ایجاد دگرگونی مناسب در ساختارهای ذهنی و اجتماعی روستایان تلاش می‌کند در آنها قدرت، توان و اختیار بهره‌گیری از قابلیت‌ها و منابع در اختیارشان را تقویت کند تا به واسطه آن وضعیت موجودشان را به وضعیت مناسب و مطلوب‌تر تغییر دهند. تحقق چنین توسعه‌ای نیازمند دگرگونی در ساختارهای نهادی، فنی، شخصیتی و ارزشی است که به تغییرات اساسی در ساختار اجتماعی و ویژگی‌های شخصیتی روستایان منجر می‌شود (مهدوی و همکاران، ۱۳۸۸: ۳۰). در حوزه پیشینه نظری توسعه و تغییرات اجتماعی در دوره معاصر، مباحث مربوط به توسعه روستایی با توجه به گسترش نظری و روش‌شناسی در حال تبدیل به یک سازوکار بزرگ‌مقیاس بین رشته‌ای است تا جایی که برخی نظریه‌پردازان مانند وندر پلاگ، هنک رنتینگ، کارل هینز کینکل، تری مارسدن و کیس دو روست از ظهور مؤلفه توسعه پایدار روستایی بحث می‌کنند (وثوقی، ۱۳۸۹: ۲۴).

توسعه پایدار روستایی

توسعه روستایی به معنای ارتقای سطح رفاه و معیشت روستایان همواره دغدغه اندیشمندان و سیاست‌گذاران توسعه بوده است. در این زمینه تاکنون اندیشمندان رهیافت‌های بسیاری به منظور افزایش سطح زندگی و رفاه روستایان مطرح کرده‌اند. بررسی رویکردها و رهیافت‌های توسعه روستایی تا دهه‌های اخیر نشان می‌دهد با وجود پیچیدگی مفهوم توسعه و توسعه روستایی، نظریه‌های مطرح‌شده از دهه ۱۹۵۰ تا ۱۹۸۰ به همه ابعاد مختلف توسعه به صورت یکپارچه توجه نکرده‌اند (مسلمی، ۱۳۸۵: ۱۲۸). و بیشتر بر یک یا چند جنبه خاص از زندگی روستایی تأکید کرده‌اند. عده‌ای بر جنبه‌های اقتصاد روستایی تأکید دارند و آن را محور اصلی دانسته‌اند و بقیه جنبه‌ها را یا کم‌رنگ نشان داده‌اند یا اساساً در نظر نگرفته‌اند. بسیاری از آنان که اقتصاد روستایی را نیز محور قرار می‌دهند، زیرمجموعه‌ای خاص از این نظام را (برای نمونه اقتصاد کشاورزی) بررسی کرده‌اند. در نتیجه همیشه این دیدگاه مطرح شده که تصویری ناقص از توسعه روستایی ارائه شده است (لهسایی‌زاده، ۱۳۷۴: ۹۰). در واقع در انگاره‌های گذشته بر اهدافی چون رشد اقتصادی، تأمین نیازهای اساسی، ریشه‌کنی فقر، رشد محصولات کشاورزی، بهبود کیفیت مسکن و ارتقای شاخص‌های بهداشتی و ... تأکید (مسلمی، ۱۳۸۵: ۱۲۸) و به‌طور کلی توسعه روستایی، راهبردی برای بهبود زندگی اجتماعی - اقتصادی مردم فقیر روستایی در نظر گرفته شده است.

جدول- ۱: راهبردهای توسعه روستایی بر مبنای نظریه‌های تدوین شده از دهه ۱۹۵۰ تا ۱۹۸۰

اهداف رویکرد	راهبردهای تدوین شده برای دستیابی به رویکرد	رویکرد
ماندگاری ساکنان در بافت‌های روستایی و جلوگیری از مهاجرت روستاییان با فراهم کردن مناسبات لازم و تأمین تسهیلات برای زندگی متناسب با شرایط امروزی	انقلاب سبز، اصلاحات اراضی، صنعتی کردن روستاها، رفع نیازهای اساسی	اقتصادی - سیاسی
ارتقای توانایی‌های روستاییان و جهت‌دادن به فعالیت آنها به منظور اصلاح وضعیت روستاها و کاهش مهاجرت از روستا به شهر	آموزش، ایجاد نهادهای غیردولتی، سازماندهی فعالیت‌های مشارکتی	فرهنگی و اجتماعی
حل مسائل و مشکلات موجود در روستا که حاصل ضعف‌ها و کمبودهای موجود در زمینه زیرساخت‌ها و ویژگی‌های کالبدی تلقی می‌شود.	تأمین آب، برق، تلفن و سایر امکانات همراه با بهسازی فیزیکی بافت روستا	کالبدی - فضای

منبع: زندیه و همکاران، ۱۳۹۱: ۶۸-۶۹

اهداف توسعه که عموماً با نگرش حاکمیتی و متمرکز طراحی و اجرا شده‌اند، به صورت فراگیر در تمام سطوح جامعه اثربخشی لازم را نداشته‌اند و خود موجب نامتعادلی‌های جغرافیایی در سطوح مختلف محلی و منطقه‌ای بوده‌اند (مسلمی، ۱۳۸۵: ۱۲۸)؛ بنابراین با توجه به گستردگی و تفاوت‌های آراء مختلف صاحب‌نظران در حیطه روستایی، رویکردهای گوناگونی در زمینه روستایی شکل گرفته است که از زوایای گوناگون امکان بررسی آنها وجود دارد. کشورها و مناطق مختلف جهان متناسب با شرایط و اولویت‌ها، رویکردها و راهبردهای توسعه روستایی متفاوتی را در پیش گرفته‌اند. قطعاً بدون در نظر گرفتن تجربیات جهانی و با تمرکز صرف بر بعضی برنامه‌های خاص در روستا بی‌توجه به راهبرد توسعه روستایی توفیق پایدار چندانی در این زمینه به دست نمی‌آید (نوروزی اورگانی، ۱۳۹۰: ۳۹). امروزه برخلاف مشکلات گوناگون و نبود آستانه جمعیتی ایجاد خدمات عمومی و ظهور چرخه باطل بهره‌وری کم و در نتیجه مهاجرفرستی و تخلیه بسیاری از روستاها، بعضی نواحی روستایی بر پایه دارایی‌های موجود مانند مطلوبیت مکانی، طبیعی و فرهنگی و سرمایه‌های فرهنگی و اجتماعی خود، نمونه‌های موفق را ارائه کرده‌اند؛ اما گسترش این الگوهای موفق نیازمند توجه به مؤلفه‌های جدید سیاستی و حکمروایی مبتنی بر اصول حکمروایی خوب از جمله شفافیت و مشارکت محلی و توجه به معیارهای توسعه پایدار روستایی است (سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه، ۱۳۹۳).

جدول- ۲: الگوها، رهیافت‌ها و راهبردهای توسعه روستایی

الگوهای اصلی توسعه روستایی	رهیافت‌ها	راهبردها
الگوهای فن‌سالارانه و بازارمحور	رهیافت نوسازی رهیافت رشد رهیافت بازار آزاد	صنعتی‌سازی برنامه‌ریزی مراکز رشد منطقه‌ای
الگوی رادیکال	رهیافت‌های سوسیالیستی و مائوئیستی رهیافت‌های فمینیستی	توزیع دوباره منابع اسکان اجباری توانمندسازی زنان متمرکز و تعاونی مراکز جمعیتی و تولیدی جدید
الگوی اصلاح‌گرا	رهیافت نیازهای اساسی رهیافت مشارکتی (عامل‌محور) رهیافت توسعه پایدار روستایی و رهیافت فائو	توسعه فراگیر و همه‌جانبه سیستمی توسعه منطقه‌ای روستایی توسعه جوامع محلی توسعه مشارکتی زیست منطقه‌گرایی توسعه اجتماعی محور اگر و پبلی تن انقلاب سبز (مکانیکی - فیزیولوژیکی)

منبع: مسلمی، ۱۳۸۵: ۲۹

درباره مفهوم توسعه پایدار روستایی تفاوت‌های چشمگیری بین کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه وجود دارد. در کشورهای توسعه یافته توسعه پایدار روستایی بیشتر به جنبه‌های محیطی و اقتصادی توجه دارد و مباحث سیاسی بیشتر بر این مسئله تأکید دارد که چگونه هزینه‌های محیطی را در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی لحاظ کنیم؛ به گونه‌ای که مشاغل و رقابت‌های صنعتی حفظ شود؛ اما برداشت از مباحث سیاسی در کشورهای جنوب کاملاً متفاوت است. کشورهای جنوب بر این امر تأکید دارند که تعاملات محیطی آنها چگونه به رشد اقتصادی و تأمین احتیاجات سیاسی کمک می‌کند (مسلمی، ۱۳۸۵: ۱۳۰). از دیدگاه توسعه پایدار، اگر هدف از توسعه، گسترش امکانات و بهبود شرایط و کیفیت زندگی انسان‌هاست، این امر گذشته از نسل کنونی برای نسل‌های آینده نیز می‌باید مدنظر قرار گیرد. معنای توسعه پایدار علاوه بر حفاظت از محیط زیست و منابع طبیعی، برداشتی نو از توسعه و رشد اقتصادی است؛ رشدی که بدون تخریب منابع طبیعی و برهم‌زدن تعادل زیست‌محیطی، عدالت و امکانات زندگی را برای همه مردم، اعم از شهری، روستایی و عشایری و نه فقط قشرهایی محدود از جامعه فراهم می‌آورد (هاشمی، ۱۳۸۹: ۱۸۵). روند و گرایش حاکم بر ابعاد شکلی و محتوایی الگوهای توسعه، نشان‌دهنده نوعی تکامل از حیث مفهومی آنهاست؛ به گونه‌ای که از برداشت و باوری تک‌ساختی (رشد اقتصادی) به برداشت و باوری چندساختی (توسعه پایدار) تغییر جهت داده است (علوی‌زاده، ۱۳۸۶: ۱۹۱).

جدول-۳: رویکردهای عمومی نظری پدیداری مؤلفه توسعه پایدار روستایی

توضیحات	رویکرد
اتکا بر ابداعات تکنولوژی و بحث جهانی شدن کشاورزی، تمرکز سرمایه و نابودی دهقانان خرده‌پا و کشاورزی محدود، تخصصی کردن تولید	جهانی شدن
این رویکرد به‌طور افراطی بر تولید و بهره‌وری تأکید داشت. این امر به عقلانیت تولید و تخریب محیط و بنابراین لزوم توجه به ملاحظات اکولوژیکی منجر شد. نظریه توسعه نوسازی ملهم از نظریات تکامل‌گرایی و کارکردگرایی است.	نوسازی، پایداری و توسعه روستایی
این رویکرد مبتنی بر نقد عمومی مارکسیستی از نوسازی و جهانی سازی است. به دنبال پیدایش پیامدهای مخرب مدرنیته مانند مشکلات زیست‌محیطی، این رویکرد علم و عقل مدرن را نقد کرد.	پسانوسازی و پایداری
رویکردی که مشارکت به‌ویژه مشارکت زنان روستایی را به بحث توسعه وارد کرد. رویکرد فمینیستی در مکاتب مارکسیستی - پست‌مدرنیستی و تضاد ریشه دارد.	فمینیسم، پایداری و توسعه روستایی

منبع: وثوقی و همکاران، ۱۳۸۹: ۲۸-۳۵ (جمع‌بندی)

توسعه پایدار روستایی، فرایندی است که در چهارچوب آن توانایی‌های اجتماعات روستایی در راستای رفع نیازهای مادی و معنوی در عین برقراری توازن میان اجزای تشکیل‌دهنده نظام سکونت محلی (بوم‌شناختی، اجتماعی، اقتصادی و نهادی) رشد و تعالی می‌یابد (فعلی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۰۱) و فرایندی چندبعدی است که باید دربرگیرنده فرایندهای توسعه مانند توسعه اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و زیست‌محیطی و مشارکتی باشد (Shucksmith, 2000: 210). درحقیقت توسعه پایدار بر مبنای درک عمیق از حقوق مردم، نقش اکوسیستم و منابع طبیعی بومی شکل می‌گیرد (حبیبی و همکاران، ۱۳۸۹: ۶).

برای توسعه پایدار شش اصل عمومی بر شمرده شده است؛ نخستین اصل بر ابعاد سه‌گانه اقتصادی، اجتماعی و محیطی به‌منزله پایه‌های پایداری تأکید دارد. در اصل دوم از پیوند پایه‌ها یاد شده است تا بر این مبنا اصل سوم و چهارم یعنی عدالت درون‌نسلی و عدالت بین‌نسلی با تأکید بر عدالت اجتماعی شکل یابد. اصل پنجم بر محوریت اصول پیشگیرانه پایداری و اصل ششم نیز بر حفظ تنوع بیولوژیکی تأکید دارد (Cameron, 2004: 16)؛ بنابراین اگر تعریف عام توسعه پایدار روستایی پذیرفته شود، بهبود وضعیت رفاهی تمامی اعضای جوامع روستایی با لحاظ کردن ابعاد اقتصادی، اجتماعی و محیطی ملاک عمل است (Stamoulis, 2007: 24 & Anriquez). توسعه پایدار روستایی جزئی جدانشدنی از واژه توسعه است که به بهبود زندگی و دستیابی به عدالت اجتماعی می‌انجامد (Thompson, 1999: 8)؛ بنابراین سه اصل عدالت، انعطاف‌پذیری و کارایی برای توسعه در نظر گرفته می‌شود (Tolba, 1997: 12). توسعه پایدار روستایی زمانی محقق خواهد شد که بین ابعاد آن تعامل وجود داشته باشد. بر این اساس مهم‌ترین هدف توسعه پایدار روستایی، مدیریت پایدار و متوازن منابع طبیعی، ارتقای کیفیت زندگی و کاهش فقر، ارتقای بهره‌وری کشاورزی، توسعه و ارتقای سرمایه‌های انسانی، استحکام رشد کشاورزی، گسترش مشارکت مؤثر و افزایش فرصت‌های برابر برای انسان‌ها و یکپارچگی موزون جامع روستایی با کلیت سرزمین است (پاداریامچی، ۱۳۸۴: ۷۸).

۴- یافته‌ها پژوهش

مشکلات روستاها - اقتصاد، صنعت و گردشگری

مسائل اصلی که امروزه روستاها در حوزه اقتصادی، صنعتی و گردشگری با آن‌ها درگیر است، در سه بخش مطرح و بررسی شده‌اند. بهره‌وری پایین کشاورزی، وضعیت نامناسب واحدهای صنعتی و بهره‌وری پایین بخش صنعت و معدن و بی‌توجهی به استفاده از ظرفیت گردشگری، چالش‌های اساسی در این حوزه‌اند. در این میان، مهم‌ترین مسئله در حوزه اقتصادی، صنعت و گردشگری، بهره‌وری پایین بخش کشاورزی است. برای حل این مسئله، دو راهکار ۱. ایجاد صنایع تبدیلی و تکمیلی؛ ۲. دسترسی به بازارهای مصرف، که از سیاست‌های طرف تقاضا هستند پیشنهاد می‌گردد.

محیط‌زیست، آب و کشاورزی

در حوزه محیط‌زیست، اکثر روستاهای کشور علی‌رغم اینکه از زیست‌بوم‌های خیره‌کننده‌ای بهره‌مند است، با مسائلی از قبیل پایین بودن سطح مناطق حفاظت‌شده استان، آلاینده‌های هوا و اقلیم (گردوغبار)، پسماند و مواد زائد و افت تنوع زیستی (فرسایش خاک و زوال) مواجه است. در این میان، موضوع زوال و خشک‌شدن جنگل‌های بلوط، مهم‌ترین مسئله در بعضی روستاها و در حوزه محیط‌زیست، آب و کشاورزی است. که برای حل آن می‌توان چهار سیاست را در پیش گرفت: ۱. تقویت نظارت و حفاظت از منابع طبیعی؛ ۲. حمایت از جوامع محلی برای پیشگیری از تخریب؛ ۳. مقابله با گردوغبار؛ ۴. توسعه راهکارهای سازگاری با تغییر اقلیم. برای حل مسئله، می‌توان از تمامی راهکارهای نام‌برده استفاده کرد؛ اما سیاست سازگاری با اقلیم، در مقایسه با دیگر سیاست‌ها، ارجحیت دارد.

اجتماعی و فرهنگی

روستاهای اطراف کلانشهرها از نظر اجتماعی و فرهنگی، به‌ویژه در حوزه آسیب‌های اجتماعی نیازمند توجه ویژه است. نرخ بالای طلاق، نرخ بالای بزه‌های اجتماعی نظیر سرقت، ضرب و شتم و به‌طور خاص نزاع‌های خیابانی، روند افزایشی مهاجرت و به عبارتی مهاجرفرستی اکثر استان‌ها و همین‌طور مهاجرت روستاشهری (درون استان) از جمله مسائل اجتماعی و فرهنگی مشترک بین شهر و روستا است. اما در کنار این مسائل، آنچه بیش از هر چیز می‌تواند عامل اصلی وضعیت بی‌سامانی‌های اجتماعی و فرهنگی قلمداد شود، ناهماهنگی و تقابل میان نهاد سنتی (قبیله‌ای و عشیره‌ای) و نهادهای قانونی (امر مدرن) است که برای رفع آن، سه سیاست: ۱. تقویت نهادهای مدرن و به‌حاشیه‌کشیدن امر سنتی؛ ۲. فعال‌سازی نهادهای سنتی کارکردی متناسب با وضعیت جامعه؛ ۳. تقویت هم‌زمان امر مدرن و امر سنتی پیشنهاد شده که در نهایت سیاست انتخابی بهینه، سیاستی یکپارچه با عنوان «پیوند امر سنتی و مدرن از طریق تقویت شهروندی» است.

جدول ۴- چالش‌های اکثریت روستاهای کشور به تفکیک حوزه

حوزه موضوعی	مشکلات	راهکارهای مؤثر
سیاست اقتصادی، گردشگری	۱- بهره‌وری پایین بخش کشاورزی	<ul style="list-style-type: none"> انجام مطالعات وسیع و دقیق در زمینه قیمت‌های تمام‌شده محصولات موجود و معرفی الگوی بهینه کشت با ملاحظات محدودیت‌های موجود هم‌زمان نمودن مطالعات توسعه صنایع جانبی با حمایت‌های خرید محصولات بخش کشاورزی و بسترسازی مناسب در زمینه فعالیت صنایع بالادستی و پایین‌دستی بخش کشاورزی تشویق زمین‌داران خرد به یکپارچه‌سازی اراضی کشاورزی برای افزایش بهره‌وری
	۲- گردشگری	<ul style="list-style-type: none"> سرمایه‌گذاری و توسعه زیرساخت‌های توسعه گردشگری و همچنین جذب نیروهای متخصص و البته دانش‌آموخته در امر گردشگری تشویق مردم منطقه به مشارکت در زمینه توسعه زیرساخت‌ها، تجهیزات و تسهیلات توریستی و ایجاد اشتغال دائم در منطقه تهیه فهرستی از منابع و فعالیت‌های گردشگری به موازات بررسی تأثیرات حاصل از این فعالیت بر منابع محیط‌زیست (طبیعی و شهری) تبلیغات و اطلاع‌رسانی از طریق تلویزیون، اینترنت، کتاب، بروشور و روزنامه، کمپین‌های فرهنگی و هنری زمینه‌سازی و بهره‌برداری از حمایت بخش خصوصی برای سرمایه‌گذاری
سیاست محیط‌زیست، آب و کشاورزی	۳- آلاینده‌های هوا و اقلیم (گردوغبار)	<ul style="list-style-type: none"> اهتمام بر اجرای سند مقابله با گرد و غبار و تأمین اعتبار لازم
	۴- پسماند و مواد زائد	<ul style="list-style-type: none"> اجرای برنامه جامع مدیریت پسماند راه‌اندازی کارخانه تولید کود کمپوست نظارت بر دفع پسماندهای ساختمانی و صنعتی و معدنی کمک به راه‌اندازی کارخانه‌های بازیافت مواد زائد جذب سرمایه‌گذارهای داخلی و خارجی برای بهره‌برداری اقتصادی از پسماند
	۵- تنوع زیستی (فرسایش خاک و زوال بلوط)	<ul style="list-style-type: none"> بهبود سیستم‌های نظارتی زیر نظر سازمان محیط‌زیست و منابع طبیعی به منظور حفاظت از مراتع و جنگل‌ها افزایش و ارتقای سطح مناطق حفاظت‌شده فرهنگ‌سازی برای کاشت نهال‌های بلوط فرهنگ‌سازی و بالابردن میزان حراست از گونه‌های جانوری و حیات وحش جلب مشارکت جوامع محلی و تشکل‌های مدنی در حفاظت از محیط‌زیست
چالش‌های کمی و کیفی منابع آب	۶-	<ul style="list-style-type: none"> نظارت بر برداشت‌های قانونی از منابع آب کنترل آب‌های سطحی و سیلاب‌ها تکمیل و تجهیز تصفیه‌خانه‌های شهری و صنعتی استان نظارت بر صنایع آلاینده آب افزایش تعداد آزمایشگاه‌های مرجع سنجش کیفیت آب

راهکارهای مؤثر	مشکلات	حوزه موضوعی
• نظارت بر رعایت حریم منابع آبی توسط جوامع محلی		
• شناسایی و پیشگیری گروه‌ها و افراد در معرض آسیب • حمایت از نهادهای سنتی کنترل اجتماعی • فعال‌سازی بدنه مدنی و گروه‌های حامی اجتماعی • برخورد های قاطع قانونی با کسانی که برای حل مسائل به زور متوسل می‌شوند. • تقویت ضمانت اجرای قوانین • تقویت شیوه حل مسائل به روش مشارکتی و گروهی در ابتدای دوران تربیتی در مدرسه، آموزشگاه‌ها و...	۷- تقابل قانون و فرهنگ سنتی طایفه‌ای	سیاست اجتماعی و فرهنگی
• شناسایی فضاهای خالی جذب نیروی کار متخصص در هر بخش • حمایت مالی و معنوی از کارگاه‌های کوچک و بزرگ و ارائه تسهیلات به کارآفرینان بخش خصوصی • جایگزینی فرهنگ کار تولیدی به جای فعالیت خدماتی • احیای بافت‌های فرسوده شهری و روستایی • شناسایی و حفظ و تقویت منابع اشتغال درآمدزا در شهرستان‌های استان	۸- مهاجرت	
• تشکیل گروه‌هایی در روستاها و محلات به سرپرستی و نظارت ریش سفیدان و کدخدایان محل برای مداخله به موقع و سازنده در اختلافات محلی و گسترش فرهنگ میانجیگری در حل و فصل اختلافات و اطلاع‌دادن به مراکز پلیس در صورت بیم درگیری و نزاع • آموزش افراد جامعه نسبت به حل و فصل مسئله نزاع و نحوه آرام کردن افراد به منظور کاهش پیامدهای آن همانند انتقام جویی، نزاع‌های دنباله دار، تخریب اموال طرفین نزاع و... • هماهنگی دستگاه‌های قضایی، انتظامی و امنیتی درباره شیوه رویارویی با نزاع‌ها و مسببین آنها به منظور کاهش نزاع‌های جمعی • گردآوری اطلاعات جامع درباره نزاع جمعی از جانب دستگاه‌های ذی ربط، به منظور انجام مطالعات کاربردی و بنیادی در این زمینه	۹- نزاع‌های فردی و دسته جمعی	

جایگاه اشتغال در توسعه روستایی

سکونت بیش از سه میلیارد نفر از جمعیت جهان در نواحی روستایی و مواجه بودن بیش از ۱/۲ میلیارد نفر با فقر مطلق که ادامه حیات آنها را تهدید می‌کند توجه ویژه به فقرزدایی از نواحی روستایی و اشتغالزایی را در روستاها ضرورتی اجتناب ناپذیر می‌نماید. فقر جهانی و اثرات جانبی جهانی شدن از جمله توزیع نابرابر درآمد کشورها که جزء اصلی ترین چالش های کشورهای در حال توسعه محسوب می‌شود، مردم روستاها را با آسیب ها و صدمات اقتصادی و اجتماعی زیادی مواجه ساخته که امروزه مهاجرت از روستا به شهر، وجود میزان بالایی از کار کودکان در روستاها، تبعیض علیه کار زنان و کارگران روزمزد و سیار در روستاها و بخش کشاورزی، عدم تامین اجتماعی مورد نیاز و امنیت پایین شغلی از نمونه آسیب های مذکور به شمار آمده و موجب تشدید فقر و نابرابری در روستاها می شوند. کمبود درآمد عامل مهمی است که اگر برای آن چاره ای اندیشیده نشود، اجازه نمی دهد طرح های توسعه روستایی به ثمر بنشینند. افزایش جمعیت روستاییان (مقدار

مطلق)، بیکاری (کامل یا فصلی)، بهره‌وری پایین افراد و منابع، عدم جذابیت برای سرمایه‌گذاری و ضعف فضای کسب و کار برخی از عوامل مؤثر در کمبود درآمد روستاییان است. تمرکز روی بخش‌های مختلف روستایی به خصوص براساس پیش‌بینی‌های سازمان بین‌المللی کار کشاورزی (ILO) موجب پیشرفت روستاها و کاهش فقر خواهد شد. بخش کشاورزی می‌تواند محرک توسعه اقتصادی غذا، سوخت، فیبر و سایر نیازمندی‌های مرتبط بخش‌های دیگر اقتصادی به ویژه بخش صنعت باشد. از سوی دیگر موفقیت در توسعه بخش‌های روستایی نیازمند فرایندهای - اقتصادی درسطوح محلی، ملی و بین‌المللی است، که متغیرهای کلان اقتصادی از جمله آرامش و ثبات سیاسی، برنامه‌های اقتصادی کارآمد، حکمرانی خوب و آموزش نیروی انسانی از پیش‌نیازهای اساسی آن به‌شمار می‌رود. از آنجا که راه حل نهایی مساله بیکاری شهری و تراکم جمعیت در شهرها و کشورهای در حال توسعه، بهبود محیط روستایی، برقراری تعادل مناسب میان فرصت‌های اقتصادی موجود در مناطق شهری و روستایی و افزایش سطح زندگی روستاییان از راه افزایش سطح درآمد آنها می‌باشد، بدیهی است در سایه ارایه خدمات آموزشی و ترویجی به اعضای جوامع روستایی و در صورت افزایش اطلاعات فنی آنان، اصول و فنون برتر تولید به وسیله روستاییان انتخاب می‌شود و از عوامل و منابع اقتصادی تولید، به شکل مطلوب استفاده می‌گردد، بدین ترتیب ایجاد اشتغال می‌تواند از طریق بهبود کیفیت زندگی، توزیع مناسب درآمد و بهره‌برداری بهینه از منابع نقش مهمی در توسعه روستایی داشته باشد.

نقش توسعه روستایی در توسعه ملی

اساساً حوزه‌های روستایی به عنوان قاعده نظام از نظر سکونت و فعالیت ملی، نقش مهمی در توسعه ملی ایفا می‌کنند، چرا که توسعه پایدار سرزمین در گرو پایداری نظام روستایی به عنوان زیر نظام تشکیل دهنده نظام سرزمین است، و پایداری فضاها و روستایی در ابعاد مختلف می‌تواند نقش موثری در توسعه منطقه‌ای و ملی داشته باشد. حال اگر به دلایلی در روند پیشرفت و توسعه فضاها و روستایی وقفه‌ای ایجاد شود، به گونه‌ای که نظام روستایی قادر به ایفای نقش سازنده خویش در نظام ملی و سرزمینی نباشد، در آن صورت آثار و پیامدهای مسایل روستایی در حوزه‌های شهری و در نهایت در کلیت سرزمین گسترش می‌یابد. از این رو باید به این موضوع اذعان نمود که توسعه پایدار و یکپارچه ملی معطوف به توسعه پایدار در سطوح منطق‌های، شهری و روستایی است. متأسفانه شواهد و تجربیات نشان می‌دهد که به حق و وظیفه توسعه جوامع و فضاها و روستایی، به تناسب سهم، جایگاه و کارکرد آن در اقتصاد ملی، کم توجهی شده و حوزه‌های روستایی در شرایطی کاملاً نابرابر از جهت دسترسی به فرصت‌ها و منافع حاصل از رشد و توسعه قرار نگرفته‌اند. از این رو تعدیل نابرابری‌های اجتماعی - اقتصادی و سرزمینی در جهت بالندگی جوامع روستایی و تسهیل رشد و ارتقای این جوامع، ضرورتی اساسی و اجتناب‌ناپذیر محسوب می‌شود. توسعه یک ناحیه روستایی باید در چارچوب کلی سیاست‌های ملی طراحی گردد. چراکه این مسئله نشانگر پیوستگی توسعه روستایی و توسعه ملی است. از سویی چون روستاها کانون تولیدات زراعی هستند تأکید بر دانش روز، یکپارچه شدن اراضی، بالا بردن بهره‌وری و راندمان هیچ منافاتی با یکدیگر ندارد. و با این رویکرد، می‌توانیم غذای مردم را که یکی از مسائل اساسی کشور است، تامین نماییم. تکیه بر واردات مواد غذایی، که قیمت آن در نوسان است و ممکن است که هر لحظه گرانتر شود، عاقلانه نیست و با توجه به حذف حمایت‌ها و یارانه‌های تولیدی و صادراتی سایر کشورهای تولیدکننده محصولات مواد غذایی که طبق آموزه‌های سازمان تجارت جهانی صورت می‌پذیرد، واردات مواد غذایی در آینده باعث افزایش رشد منفی تراز پرداخته‌ای کشور خواهد شد و در نتیجه قیمت محصولات غذایی گران‌تر می‌شود. که تحمل این امر بسیار مشکل است.

اما اگر بتوانیم توسعه ملی را طوری سامان دهیم که اهمیت ویژه ای به کشاورزی، روستا و تولید داده شود، می توانیم باعث ارتقاء دانش فنی و بومی کردن آنها در کانون های تولید و روستاها شویم. و از این طریق نه تنها می توانیم صرفه جویی قابل توجهی در تراز پرداخت ها بوجود آوریم بلکه اگر با سیاست های آگاهانه و حمایت از تولید به افزایش مازاد بر نیاز دست یابیم آن وقت صادرات دور از دسترس نیست و می توانیم درآمد ارزی بیشتری داشته باشیم.

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آمده است که بخش کشاورزی محور توسعه تلقی شده و اهداف این بخش را در راستای توسعه اقتصادی، در بسیج کلیه امکانات ملی و همه بخش های اقتصادی به منظور نیل به خودکفایی در تولید کالاهای اساسی کشاورزی، تقویت توان اقتصادی روستاها و احیای آن به عنوان منبع و جایگاه اصلی تولید بیان داشته است. حال با توجه به اهمیت روستا و کشاورزی، به ضرورت توسعه روستایی و اهمیت و نقش آن در توسعه ملی می پردازیم. میزان زیاد فقر را در کشورهای در حال توسعه نمی توان فقط با ذکر این که میزان درآمد سالانه در این کشورها خیلی پایین تر از میزان درآمد در کشورهای توسعه یافته است، بیان کرد. بلکه باید حداقل دو عامل یا دو ویژگی دیگر از توسعه نیافتگی را در نظر گرفت. این دو ویژگی عبارتند از: ویژگی های داخلی و خارجی. در باب ویژگی های داخلی این کشورها باید به مساله توزیع درآمدها اشاره کرد. شکی نیست که نابرابری در تمام کشورها وجود دارد، اما نابرابری در میان گروه های فقیر و ثروتمند در کشورهای توسعه نیافته به مراتب از نابرابری در کشورهای ثروتمند بیشتر است. عامل بیرونی که باید به خاطر داشت این است که در مقایسه با کشورهای پیشرفته، اکثر کشورهای در حال توسعه از رشد بطئی درآمد سرانه برخوردارند.

نقش تولیدی روستا جهت حصول به امنیت غذایی، مساعدت به بخش صنعت و نیز نقش صادرات غیر نفتی روستا در تولید ناخالص کشور و ایجاد فرصت های شغلی در ابعاد مکانی از جمله آثار مناطق روستایی در توسعه ملی کشور است. در سال های اخیر نیز توسعه صنعت گردشگری روستایی بویژه در کشورهای توسعه یافته، عامل اساسی در فرایند توسعه روستایی و تحقق اهداف توسعه ملی بوده است.

جمع بندی و تحلیل

با توجه به اقدامات انجام شده طی سال های پس از انقلاب اسلامی ایران به استناد آمار، شاخص ها، مرتبط با عمران روستایی از قبیل برق، تلفن، شبکه خانه های بهداشت، فضای آموزشی، راه آسفالت، شبکه آب آشامیدنی بهداشتی، گازرسانی، طرح هادی و مقاوم سازی مسکن روستایی از وضعیت نسبتاً مطلوبی برخوردار می باشد و لیکن در خصوص بهبود وضعیت اقتصادی، افزایش درآمد، بیمه های تامین اجتماعی در یک کلام مسایل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی توفیق لازم حاصل نگردیده و به همین دلیل روستاها به شدت در معرض کاهش جمعیت و نهایتاً تخلیه کامل می باشد. که تغییرات به واسطه شهر شدن برخی روستاها نیست بلکه ریشه در مسایل اجتماعی، فرهنگی و به ویژه اقتصادی دارد. تبعات ناشی از خالی شدن روستاها از جمعیت و غیرفعال شدن روستاها، از قبیل اقتصادی (وابستگی کشور به سایر کشورها، عدم تحقق رشد اقتصادی، بیکاری و...)، فرهنگی (عدم استفاده از تحصیل کردگان روستا، از بین رفتن آداب، سنن ملی و...)، اجتماعی (افزایش طلاق، کاهش نرخ ازدواج، کاهش اعتماد به نفس، افزایش حاشیه نشینی و...)، زیست محیطی (تخریب و از بین رفتن منابع، افزایش مخاطرات طبیعی و...) میراثی و تاریخی (از بین رفتن سند تاریخی و میراثی کشور به واسطه اینکه روستاها شکل دهنده شهرها بوده اند) و امنیتی (تهدید مرزها، خالی شدن مرزها، افزایش درگیری مرزی و بروز مشکلاتی در داخل کشور).

با بررسی سوابق امر ملاحظه می شود در روستاها صرفاً امور عمرانی مورد توجه بوده است ولیکن در حال حاضر توجه دولت باید به رویکرد و توسعه روستایی معطوف گردد. لذا با تبیین جایگاه روستا در نظام برنامه ریزی کشور و همچنین اهمیت دادن به این حوزه گسترده، مهم و اثرگذار در اقتصاد و جلب حمایت های قانونی، معنوی لازم، نسبت به فعال کردن

جمعیت روستایی کشور در فعالیت های اقتصادی و تولیدی از طریق توانمندسازی عوامل انسانی و افزایش بهره وری و راندمان در امور کشاورزی و دامداری و ایجاد مشاغل جدید و متنوع و حرکت جهت زنجیره ارزشی تولید با رویکرد توجه به بازار فروش، زمینه بهبود معیشت زندگی روستاییان را فراهم نماید و در نهایت با رفع تبعیضات موجود بین روستا و شهر، محیط روستا را محیطی شاداب، پویا و موثر در توسعه کشور مبدل نماید.

جدول (۵): اولویت بندی مشکلات بیشتر روستاهای کشور بر اساس ماتریس مقایسه زوجی مشکلات کلی			
اولویت	امتیاز	مشکلات	
۱	۸	مشکل ۱ بهره‌وری پایین بخش کشاورزی	
۲	۷	مشکل ۲ گردشگری	
۳	۶	مشکل ۳ آلاینده‌های هوا و اقلیم (گردوغبار)	
۴	۵	مشکل ۴ پسماند موارد زاید	
۵	۴	مشکل ۵ تنوع زیستی (فرسایش خاک و زوال بلوط)	
۶	۳	مشکل ۶ چالش‌های کمی و کیفی منابع آب	
۷	۲	مشکل ۷ تقابل قانون و فرهنگ سنتی طایفه‌ای	
۸	۱	مشکل ۸ مهاجرت	
۸	۱	مشکل ۹ نزاع‌های فردی و دسته‌جمعی	

جدول (۶): ماتریس مقایسه زوجی مشکلات کلی این روستاها									
مشکلات	مشکل ۱	مشکل ۲	مشکل ۳	مشکل ۴	مشکل ۵	مشکل ۶	مشکل ۷	مشکل ۸	مشکل ۹
مشکل ۱		۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
مشکل ۲			۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲
مشکل ۳				۳	۵	۶	۷	۳	۳
مشکل ۴					۴	۶	۷	۴	۴
مشکل ۵						۶	۷	۵	۵
مشکل ۶							۶	۶	۶
مشکل ۷								۷	۷
مشکل ۸									۸
مشکل ۹									

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

توسعه متوازن و یکپارچه نواحی روستایی و عشایری در گرو فراهم‌آوری الزامات آن در سطوح کلان، میانی و محلی است. ولی شواهد موجود در این گزارش نشان داد، نوعی به‌هم‌ریختگی در نظام سیاست‌گذاری و مدیریت توسعه روستایی،

عشایری و کشاورزی به وجود آمده است و تا زمانی که این آشفتگی چاره نشود، نمی توان امیدي به تحقق توسعه متوازن روستایی و عشایری داشت. بروز وضعیت بحرانی در نواحی روستایی و عشایری نظیر کاهش روزافزون جمعیت روستایی و عشایری، تخلیه روستاها، تشدید مهاجرت های روستا-شهری، به حاشیه رانده شدن روستاها و اولویت داشتن مناطق شهری در مجامع تصمیم گیری و سیاستگذاری و غیره در کنار عدم تحقق مناسب اهداف و تکالیف کلیدی مربوط به حوزه توسعه روستایی و عشایری، معلول یک مشکل ریشه ای و بنیادین است. این مشکل، فقدان متولی تخصصی و کارآمد برای تدوین متوازن سیاست ها و برنامه های توسعه روستایی و عشایری براساس چشم انداز و مأموریت مشخص، رسیدگی به مشکلات و پیگیری حقوق روستاییان و عشایری از مراجع مسئول و مهم تر از همه نظارت میدانی بر اثربخشی و کارایی طرح های مربوطه است. این متولی باید با رویکرد جهادی و نگاه یکپارچه به کشاورزی و روستا، اقدامات عملی را با استفاده از ظرفیت تشکل های مردم نهاد و حرکت های خودجوش مردمی انجام دهد. بر اساس نتایج به دست آمده حاصل از روش ارزیابی مشارکتی روستایی، مشخص شد که روستاییان با مشکلات زیادی مواجه می باشند. مهم ترین مشکلات داخلی روستا عبارت بودند از: مشکل فاضلاب داخل روستا، نبود آب آشامیدنی کافی و عدم آسفالت کوچه و راه های دسترسی، همچنین در زمینه کشاورزی مهم ترین مشکلات عبارت بودند از: پایین بوده هزینه های فروش محصولات، بالابودن هزینه های تولید و جاده بین مزارع. نتایج تکنیک های اجرا شده در منطقه نشان داد که اهالی روستا از وضعیت مالی و اقتصادی خوبی برخوردار نیستند و دلایل متعددی داشته است. مانند ضعیف بودن منابع طبیعی از جمله دیم بودن اراضی کشاورزی، گرانی نهاده ها، علوفه و ... ضعیف بودن منابع فیزیکی و نیز مرزی بودن این منطقه باعث شده که این روستا کمتر مورد توجه قرار گیرد حال آن که با توجه به موقعیت طبیعی و پتانسیل استراتژی منطقه جهت رشد واردات و صادرات، مردم باید در شرایط اقتصادی و رفاهی بهتری قرار داشته باشند. در انتها می توان چنین گفت توسعه روستایی در چند دهه اخیر به منزله یکی از عوامل مهم در جذب جمعیت روستاها و جلوگیری از مهاجرت روستاییان به شهرها مدنظر بوده است؛ اما بررسی ها نشان می دهد در چند دهه گذشته با وجود افزایش خدمات و به اصطلاح توسعه افزون تر، بسیاری از سکونتگاه های روستایی در استان های مختلف کشوریا خالی از جمعیت شده اند یا به شدت با کاهش جمعیت مواجه بوده اند. بررسی های انجام شده نشان می دهد وجود خدمات پایه ای در روستاها در نگهداشت جمعیت امری ضروری به حساب می آید. وضعیت تأسیسات زیربنایی، دسترسی به مراکز آموزشی و تأسیسات روبنایی که نیازهای امروز ساکنان را تأمین می کند، به منزله اساسی ترین نیازهای هر جمعیت برای نگهداشت، امری ضروری است. شاید این واقعیت را باید پذیرفت که برنامه ریزی منجر به رشد و نگهداشت جمعیت برای تمام روستاها امکان پذیر نخواهد بود و باید با کوشش بیشتر برای مشخص کردن روستاهای دارای توان بیشتر، این روستاها را تقویت کرد تا با پیدایش و تقویت همزمان صرفه های ناشی از مقیاس به منزله مراکز جمعیتی پایدار آینده عمل کنند. به نظر می رسد سیاست برنامه ششم توسعه کشور در قالب طرح توسعه و اشتغال روستایی، چنین رویکردی را در پیش گرفته است؛ توسعه روستایی باید در قالب توسعه مراکز دهستان ها و مناطقی صورت گیرد که توان توسعه دارند و در بعضی مناطق این امر فقط موجب هدررفت سرمایه خواهد شد. این امر به معنای نادیده گرفتن جمعیت نیست، بلکه به مفهوم تمرکز جمعیت در مراکز است که خدمات اولیه و ظرفیت بهره وری برای ایجاد خدمات دارند و شاید باید از این راه امیدوار بود که مکان های مرکزی با خدمات مناسب برای نگهداشت جمعیت روستایی در سلسله مراتبی سامانمندتر ایجاد شوند.

منابع

۱. آسایش، حسین، (۱۳۸۲)، برنامه‌ریزی روستایی در ایران، انتشارات دانشگاه پیام نور، چاپ ۴، تهران، ۲۰۴.
۲. ارجمندنیا، اصغر، (۱۳۹۳)، برنامه‌ریزی توسعه مراکز اسکان روستایی، اقتصاد کشاورزی و توسعه، شماره ویژه، تهران، ۸۲-۱۰۳.
۳. بهزادنسب، جانعلی، (۱۳۸۹)، تحلیل و تعیین فرایند مطلوب انجام برنامه‌ریزی توسعه روستایی در کشور براساس رویکرد برنامه‌ریزی ارتباطی، فصلنامه روستا و توسعه، دوره ۱۳، شماره ۴، تهران، ۷۴-۵۱.
۴. پاداریامچی، سارا، (۱۳۸۴)، بررسی نگرش و نیازهای آموزشی دامداران درزمینه تلقیح مصنوعی در گاوهای شیری (مطالعه موردی: مزارع گاوهای شیری شهرستان مرند)، فصلنامه روستا و توسعه، شماره ۳، تهران، ۳۳-۵۰.
۵. حبیبی، محسن، بارول، شیرین، خجسته، مریم و نگهداری‌کیا، پریا، (۱۳۸۹)، طراحی روستا، مشارکت و توسعه پایدار، فصلنامه مسکن و محیط روستا، دوره ۲۹، شماره ۱۳۲، تهران، ۳-۱۶.
۶. زندیه، مهدی، حصاری، پدram، (۱۳۹۱)، تداوم معماری مسکن روستایی با انگیزه توسعه پایدار روستایی، فصلنامه مسکن و محیط روستا، دوره ۳۱، شماره ۱۳۸، تهران، ۶۳-۷۲.
۷. زیاری، کرامت اله، ۱۴۰۰، ارائه الگوی بهینه مسکن و حمل و نقل برای افزایش زیست پذیری شهری با استفاده از مدل تصمیم گیری چند معیاره فازی (نمونه موردی شهر تهران)، مجله جغرافیا و روابط انسانی، دوره ۴، شماره ۳- شماره پیاپی ۱۵، صفحه ۶۵-۷۹.
۸. سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه، (۱۳۹۳)، پارادایم‌های نوین توسعه روستایی، ترجمه محمدرضا رضوانی، حمیدرضا باغیانی، سارا جعفری، انتشارات دارخوین، چاپ اول، اصفهان، ۲۰۸.
۹. حسینی، سیده آیدا، ۱۴۰۰، کیفیت زندگی؛ گستره ای به مفهوم پیچیدگی، مجله جغرافیا و روابط انسانی، دوره ۴، شماره ۳ - شماره پیاپی ۱۵، زمستان ۱۴۰۰، صفحه ۱۶۵.
۱۰. طالب، مهدی، عنبری، موسی، (۱۳۸۵)، بررسی جایگاه و نقش مطالعات بین رشته‌ای در مطالعه جوامع روستایی با تأکید بر ایران، فصلنامه روستا و توسعه، دوره ۹، شماره ۳، تهران، ۳۵-۵۳.

۱۱. علوی‌زاده، سید امیرمحمد، (۱۳۸۶)، الگوهای توسعه اقتصادی - اجتماعی با تأکید بر توسعه پایدار روستایی در ایران، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۲۴۵ و ۲۴۶، تهران، ۱۹۰-۲۰۱.
۱۲. عنبری، موسی، (۱۳۸۷)، تحلیل مسائل و کاستی‌های پژوهش‌های نوین در جامعه‌شناسی توسعه روستایی ایران، فصلنامه روستا و توسعه، دوره ۱۱، شماره ۱، تهران، ۱-۳۴.
۱۳. فعلی، سعید، صدیقی، حسن، پزشکی راد، غلامرضا و میرزایی، آرزو، (۱۳۸۹)، چالش‌های جوامع روستایی ایران برای دستیابی به توسعه پایدار، فصلنامه روستا و توسعه، دوره ۱۳، شماره ۴، تهران، ۹۷-۱۲۸.
۱۴. قنبری هفت‌چشمه، ابوالفضل و حسین‌زاده دلیر، حسین، (۱۳۸۴)، تعیین درجه توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی (۱۳۷۵)، مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، شماره ۵، مشهد، ۱-۱۷.
۱۵. لهسایی‌زاده، عبدالعلی، (۱۳۷۴)، توسعه روستایی همه‌جانبه، نشریه اقتصاد کشاورزی و توسعه، شماره ۹، تهران، ۸۹-۱۱۲.
۱۶. مسلمی، عبدالرضا، (۱۳۸۵)، توسعه پایدار روستایی با تأکید بر سیستم انسان و محیط، جهاد، شماره ۲۷، تهران، ۱۲۶-۱۴۹.
۱۷. مهدوی، مسعود و عزمی، آئیژ، (۱۳۸۸)، فضا، آمایش سرزمین و توسعه روستایی، جغرافیایی سرزمین، دوره ۶، شماره ۲۲، تهران، ۲۵-۴۲.
۱۸. نوروزی اورگانی، اصغر، (۱۳۹۰)، گذری اجمالی بر رویکردها و راهبردهای توسعه روستایی، اطلاعات جغرافیایی، شماره ۷۷، تهران، ۳۷-۴۴.
۱۹. وثوقی، منصور، ایمانی، علی، (۱۳۸۹)، آینده توسعه روستایی و چالش‌های پایداری، مجله توسعه روستایی، دوره ۱، شماره ۲، تهران، ۲۳-۴۵.
۲۰. تاج، ش. و نقی‌زاده، ن. (۱۳۸۸). بررسی مدیریت مشارکتی در برنامه‌ریزی توسعه جوامع روستایی و عشایری، با تکیه بر تجاربی از ایران. فصلنامه علمی پژوهشی جغرافیا. صفحات ۱۵ تا ۵۴.
۲۱. پیرو، ط.؛ مقیم، ح. و رحمانی، آ. (۱۳۸۶). بررسی عوامل اجتماعی و اقتصادی موثر بر میزان مشارکت روستائیان در طرح (PRA) آبخیزداری (استان فارس). چهارمین همایش ملی علوم و مهندسی آبخیزداری ایران مدیریت حوزه‌های آبخیز.
۲۲. سعیدی، ع. (۱۳۸۷). دانشنامه‌ی مدیریت شهری و روستایی. شورای علمی سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور.

۲۳. علی بیگی، ج. و خانی، ف. (۱۳۹۴). بررسی رابطه مشارکت مردمی و توسعه یافتگی روستایی (نمونه موردی: شهرستان‌های سیروان و چرداول). فرهنگ ایلام. دوره شانزدهم، شماره ۴۸ و ۴۹. صفحات ۲۸ تا ۴۴.

۲۴. میرلطفی، م، ح. و محبی خیرآبادی، ز. (۱۳۹۱). بررسی نقش مدیریت روستایی در ارتقاء فرایند مشارکت. همایش ملی توسعه روستایی. رشت، دانشگاه گیلان، قابل دسترس در سایت <https://www.civilica.com/paper-NCRURALDEV01-> [NCRURALDEV01-099.html](https://www.civilica.com/paper-NCRURALDEV01-099.html)

۲۵. فعلی، س.؛ صدیقی، ح.؛ پزشکی راد، غ. ر. و میرزایی، آ.؛ (۱۳۸۹). چالش‌های جوامع روستایی ایران برای دستیابی به توسعه پایدار. فصلنامه روستا و توسعه، شماره ۴، صفحات ۹۷ تا ۱۲۸.

۲۶. گلیفاس، ف. (۱۳۹۲). کتاب برنامه‌ریزی و مشارکت روستایی با استفاده از روش‌های تسهیلگری (۸۰ ابزار برای توسعه مشارکتی). مترجم: سید عارف موسوی. تهران؛ وزارت جهاد کشاورزی

۲۷. نسیمی، ب. م. (۱۳۹۲). مسائل فرهنگی، تغییر بافت و مسکن روستایی. مجله جغرافیای من.

۲۸. ARL (2005) "Akademie für Raumforschung und Landesplanung", (2005), *Handwörterbuch der Raumordnung. Neu bearbeitete Aufl. Hannover.*

۲۹. Hall, P. (1994), "The theory and practice of regional Planning, urban and regional planning", routledge, Pemberton, vii, 103 p.